



در محضر

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی

﴿وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض
كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و
ليبدلنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني لا يشركون بي شيئاً﴾ نور: ۵۵.

حکومت صالحان، وعدهی الهی

این آیهی شریف، آیه‌ای است که هم در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آثار بسیار مهمی داشت و هم در زمان‌های دیگر تا زمان ظهور حضرت مهدی، ارواحنفا، آثار مهمی دارد. ما، از پدران و مادران مسلمان متولد شده‌ایم و اسلام را ارزان به دست آورده‌ایم و نمی‌دانیم چه اندازه برای اسلام زحمت کشیده شد و چه خون‌های پاک‌ی ریخته شد و چه زجرها و چه آوارگی‌ها و چه مشکلات عظیم دیگر، تحمل شده است، تا اسلام به دست ما رسیده است!

بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، در شأن نزول این آیه، نقل کرده‌اند، هنگامی که مسلمانان مهاجر، از مکه به مدینه آمدند، گروه نسبتاً محدودی از مردم مدینه، به آنان



پیوستند. جمعیت مشرک عرب، از مناطق مختلف، احساس خطر کردند. پیغمبر و یاران اش به جمعی از انصار، در مدینه، پیوستند. آنان می دانستند که ممکن است مشکلات عظیمی برای شان ایجاد شود. تعبیر روایات، این است که از همه جا، برای نابودی اسلام هجوم آوردند. کار به آن جا رسید که مسلمانان، در آماده باش کامل بودند؛ یعنی، شب و روز، اسلحه را از خود دور نمی کردند. شب که می خوابیدند، خواب درستی نداشتند - زیرا با لباس جنگ می خوابیدند - و صبح که برمی خاستند، به صورت آماده باش بودند. یک روز، دو روز، یک هفته و...، شاید قابل تحمل باشد، اما آماده باش مستمر، کار بسیار مشکلی است. لذا، شاید خدمت پیامبر رسیدند و عرض کردند: «یا رسول الله! تا چه زمانی این حالت ادامه دارد؟ چه وقت در امن و امان زندگی خواهیم کرد؟ چه زمانی، اسلام، به عنوان آیین پابرجا در این منطقه، حاکم می شود؟».

در پاسخ، این آیهی شریف نازل شد و بشارت داد. در واقع، این آیه، یکی از پیشگویی ها دربارهی مسلمانان آغاز اسلام است. این آیه، به صراحت می گوید، خداوند، به کسانی که ایمان و عمل صالح دارند چهار وعده داده است:

۱- «لیستخلفنهم فی الأرض»:

یعنی، حاکمیت در روی زمین پیدا خواهند کرد.

۲- «لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم»:

تمکین، در این جا، به معنای استقرار و پابرجایی است؛ یعنی، طوری است که نمی شود آن را تکان داد. قرآن، وعده داد، در آینده ای نزدیک، ایمان و اسلام، در این سرزمین استقرار پیدا کند.

۳- «ولیبذلنهم من بعد خوفهم أمناً»:

این حالت ترس و وحشت، از میان می رود و امنیت و آرامش، جای آن را خواهد گرفت.

۴- «یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً»:

همه ی این ها مقدمه است برای این که خالصانه، خداوند عبادت شود و شرک و کفر و



نفاق، محو و نابود گردد.

فتح مکه، نمونه‌ی از این پیشگویی

خوب، این، یک پیشگویی قاطع قرآن مجید بود. این پیشگویی، واقع شد. هنگام فتح مکه، تقریباً، آتش جنگ، جز جنگ‌های کمی که بعداً واقع شد، خاموش گشت و امنیت، در سراسر جزیره مستقر شد.

این آیه، یک مفهومی دارد در مورد اصحاب پیغمبر و یک مفهوم عمومی‌تر دارد در مورد تمام زمان‌ها و یک مفهوم خاصی دارد که درباره‌ی زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام است. در قرآن، آیاتی درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام است که یکی از آن‌ها، همین آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی نور است.

اولاً، مفهوم آیه، عام است: ﴿وَعَدَالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات﴾ معیار، ایمان و عمل صالح است. بنابراین، در دوران‌های بعد هم، کسانی که ایمان و عمل صالح داشته باشند، در منطقه‌ی خودشان، حاکمیت پیدامی کنند؛ یعنی، اگر در منطقه‌ای حاکم نبود، پس یا ایمان درستی یا عمل صالحی نبوده است.

ما، در انقلاب دیدیم انقلابیان کشور ما، واقعاً، دارای ایمان و عمل صالح بودند، مخصوصاً در آغاز انقلاب، صفای عجیبی بر همه حاکم بود و خداوند هم وعده‌اش را وفا کرد و امنیت پس از جنگ حاکم کرد و ﴿یعبدوننی لایشرون بی شیئاً﴾ در حدّ خودش، حاکم شد.

مسئله‌ی مهمی که در این جا است، این است که این آیه، هماهنگی خاصی دارد با روایاتی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بعنوان بشارت بر ظهور مهدی علیه السلام آمده است.

فراوانی روایات اهل سنت

برخی، گمان می‌کنند که روایاتی که از طرق شیعه درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام آمده، بسیار زیادتر است از روایاتی که از اهل سنت وارد شده است، در حالی که این طور نیست و برادران اهل سنت، آن قدر روایات درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده‌اند که کتابی به

نام «فی تواتر روایات المهدی» نوشته شده است؛ موضوع این کتاب، این است که روایات درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام متواتر است. روایات حضرت مهدی علیه السلام هم در صحاح هست و هم در غیر صحاح.

آنان هم حدیث مهدی علیه السلام را متواتر می‌دانند. حدیثی معروف در کتاب منتخب الأثر از صد و بیست و سه منبع نقل شده است که اکثریت منابع اش، از اهل تسنن است. آن حدیث که همه‌ی ما شنیده‌ایم و هماهنگ بحث ما است، این است که اگر از روزگار، جز یک روز باقی نماند، خداوند، آن روز را طولانی می‌کند تا این که مردی از خاندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله قیام کند و زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آن که ظلم و جور، آن را گرفته باشد.

ظهور حضرت، تکامل نهایی انسان

تعبیر «لو لم یبق من الأرض»، اشاره به چه چیز است؟ این، یک سؤال مهمی است. چرا می‌فرماید اگر یک روز بیش تر باقی نمانده باشد، باز هم خداوند این برنامه را انجام می‌دهد؟

عبارت مذکور، اشاره به این است که ظهور حضرت، یک فرمان حتمی و قطعی خداوند است و یکی از نوامیس آفرینش بشر است که اگر نباشد، آفرینش بشر، در واقع، به هدف نهایی نمی‌رسد. خداوند، انسان را برای تکامل آفریده است، جامعه‌ی انسانیت برای کمال آفریده است. اگر با ظلم و جور، این جامعه نابود شود، پایان پیدا کند، قیامت بر پا شود، بمب‌های اتمی نسل بشر را منقرض کند، هدف آفرینش انسان، و «ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» تأمین نشده است. این که می‌فرماید: «اگر یک روز بیش تر از عمر دنیا باقی نماند»، اشاره به این است که این، هدف نهایی و قطعی و تغییرناپذیر آفرینش انسان است که شخصی قیام کند و ظلم و ستم را برچیند و دست جهان انسانیت را بگیرد و به هدف تکامل برساند و حاکمیت عدل و داد را بر جهان استوار سازد.

چرا می‌فرماید: «عدلاً و قسطاً»؟ چه تفاوتی میان عدل و قسط است؟ چه تفاوتی میان ظلم و جور است؟ عدالت، نقطه‌ی مقابل ظلم است. یک نفر ظالم، حقوق مردم را غضب



می‌کند و می‌شود ظالم، ولی کسی که میان افراد، فرق می‌گذارد، از نظر لغت عرب، اسم‌اش «جور» است و نقطه‌ی مقابل‌اش «قسط» است. بنابراین، وقتی که قیام می‌کند، نه تنها خودش ظلم نمی‌کند و حقوق مردم را به نفع خودش مصادره نمی‌کند، بلکه اجازه نمی‌دهد که تبعیض باشد. حق همه، پرداخت می‌شود و همگی، زیر چتر عدالت او، به حق خودشان می‌رسند. این، در واقع، اوج تکامل در جهان انسانیت است.

ما، این آیه و روایات را کنار هم می‌گذاریم، در یک جا، خداوند، می‌فرماید:
«وَعَدَهُ دَادَهُ اسْتِ بِهٖ مُؤْمِنَانِیْ کِهٖ عَمَلِ صَالِحِ دَارِنْدِ کِهٖ اَنَانِ رَا خَلِیْفَهٗی
رُوی زَمِیْنِ کُنْدِ وَا اَیْنِ اسْلَامِ رَا تَمْکِیْنِ بَدَهْدِ وَا پَا بَرَجَا کُنْدِ وَا نَا مَنِی رَا اَز
بِیْنِ بَبْرِدِ وَا تَا اَنَانِ بَتَوَانِنْدِ خَالِصَانَهٗ خَدَا رَا بَبْرَسْتِنْدِ»

پیغمبر اسلام ﷺ هم مطابق این صد و بیست و سه روایت چنین وعده‌ای داده است. از این جا می‌فهمیم که این آیه‌ی شریف، هر چند در زمان پیغمبر به صورت موضعی پیاده شد و مسلمان‌ها پیروز شدند، هر چند در انقلاب یا حکومت‌های صالح دیگر، مثل حکومت امیر مؤمنان علیه السلام پیاده شد، اما در عین حال، آن اوج تکامل‌اش، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در آن زمان، تمکین دین در ارض، عمل می‌شود. در قرآن، «ارض»، گاهی به بخش‌هایی از زمین اطلاق شده و گاهی به تمام زمین اطلاق شده است. بنابراین، بشاراتی که روایات به ما می‌دهد، این است که بالاخره، جهان، به این وضع کنونی باقی نمی‌ماند، بلکه مصلحی می‌آید، رهبری می‌آید، نوری ساطع می‌شود، پیشوایی که جهان را غرق عدل و داد و امن و امان و حاکمیت توحید خواهد کرد، می‌آید.

در این جا، نکته‌ی دیگری هم هست که در روایات اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده است. تعبیری است از امام سجاد علیه السلام که در ذیل این آیه، جمله‌ای فرموده‌اند و با صراحت، نام «مهدی» را بردند و سپس کلام‌شان را به کلام پیغمبر و کلام پیغمبر را به کلام خدا، پیوند دادند. آن حضرت، هنگامی که این آیه را تلاوت فرمودند یا در نزد آن حضرت تلاوت شد، فرمود: «هم - والله! - شیعتنا». این «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» که در آیه آمده، شیعیان ما هستند. «یفعل الله ذلك علی یدی رجلٍ منّا»، این برنامه، در سطح جهان به دست

مردی از ما پیاده می شود و «هو مهدی هذه الأمة»، او، مهدی این امت است که این برنامه را پیاده می کند. بعد فرمود:

«وهو الذى قال رسول الله ﷺ لو لم يبق من الدهر إلا يوم لَطَوَّلَ اللهُ ذلك اليوم».

بنابراین، آیهی پنجاه و پنجم سورهی نور، کلام پیغمبر ﷺ و کلام امام سجاد ﷺ، همه، به هم پیوند پیدا می کند و یک واقعیت را روشن می کند. آن واقعیت، حکم قطعی پروردگار است. اگر بدون این باشد، آفرینش انسان، به هدف نهایی نمی رسد. آن، هدف نهایی، این است که حکومت عدل و داد بر تمام جهان حکم فرما بشود، و توحید، در همه جا، حاکم شود.

در بعضی از روایات داریم:

«لا يبقى بيت حجرٍ ولا مَدْرٍ».

«بيت حجر» اشاره به قصرها و خانه های اشرافی است و «بيت مدر»، خانه های خشتی گلی است؛ یعنی، همه، بدون استثناء، در خانه هاشان اسلام وارد می شود. حالا ممکن است که یک افرادی باشند که در باطن، مشکلاتی در عصر ظهور مهدی ﷺ داشته باشند، ولی حاکمیت توحید انکارناپذیر است.

ظهور صغرا و ظهور کبرا

مطلب دیگری که لازم است در این ایام به آن توجه پیدا کنیم، سخنی است که در بعضی از نوشته هایم آورده ام و تمایل دارم که عمومی هم عرض کنم، مخصوصاً برای جوانان عزیز. همان طور که برای حضرت مهدی ﷺ، یک غیبت صغرا و یک غیبت کبرا است، یعنی درست مانند آفتاب، وقتی می خواهد پنهان شود، ابتدا، قرص خورشید پشت افق پنهان می شود، ولی هوا نیمه روشن است، و کم کم، این روشنایی برچیده می شود و تاریک می شود، برای ظهورش هم یک ظهور صغرا و یک ظهور کبرا است، مانند موقعی که آفتاب می خواهد طلوع کند، قرص خورشید هنوز پیدا نشده، اما هوا، نیمه روشن است



و بعد خورشید دیده می شود. مرحله ی غیبت ایشان در دو مرحله واقع شده است و ظهور ایشان هم ظهور صغرا و هم ظهور کبرا دارد. در ظهور صغرا، توجه مردم به امام زمان علیه السلام زیاد می شود و همه جا، صحبت از امام زمان علیه السلام است و جلسات امام زمان علیه السلام، پر شور می شود و بحث های امام زمان علیه السلام، همه جا را می گیرد و وضع، طوری می شود که مردم تشنه می شوند و آماده می شوند. ما، تصوّر می کنیم که در این عصر و زمان، ما ان شاء الله، در بین الطلوعین ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار داریم. من، فراموش نمی کنم پنجاه سال قبل، مؤسّساتی که به نام حضرت مهدی علیه السلام بود، خیلی کم بود و کتاب هایی که درباره ی حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده بود، به اندازه ی امروز نبود، و سخن از مهدی علیه السلام، به این گستردگی نبود. اگر کسی، چهل یا پنجاه سال قبل، مسجد جمکران می رفت، در بهترین شب ها، ده یا بیست نفر بودند، امّا الان صدها هزار نفر در بعضی از شب های حسّاس هستند!

لزوم گسترش بحث مهدویت

ما، به سوی طلوع کبرا پیش می رویم. اگر می خواهیم به آن ظهور کمک کنیم، این ظهور صغرا را توسعه دهیم! همین بحث های مختلف درباره ی حضرت را میان جوانان و بزرگ سالان و زنان و مردان و مسلمانان و غیر مسلمانان توسعه دهیم و به اینترنت بکشانیم. خلاصه، با امواج، نام مهدی علیه السلام را به همه ی دنیا برسانیم و این ظهور صغرا را پر رنگ کنیم تا نام حضرت مهدی علیه السلام در همه ی جلسات، حضور پیدا کند. من، معتقدم، اگر این کار را بکنیم، این، یک مصداق عملی دعای تعجیل فرج می شود. امیدوارم که همه ی جوانان عزیز، پیوند قلبی و عاطفی شان را، روز به روز، با حضرت مهدی علیه السلام بیش تر کنند و با او انس بیش تر پیدا کنند و عشق بورزند و در جلساتی که به نام حضرت است، بیش تر شرکت کنند و کتاب های خوبی را که درباره ی حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده است، بیش تر مطالعه کنند.



